



باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۵۷۹۸

رده‌بندی دیویی: ۱۳۶۳ الف ۵۷۴ الف ۳۴۲۲ /۲۹۷ مرجع ☐

سرشناسه: اصفهانی، ابوالحسن، ۱۲۴۶-۱۳۲۴ ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: انیس المقلدین فی احکام الدین.

شرح پدیدآور:

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: نجف اشرف ناشر: مطبعه مرتضویه تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ق

صفحه شمار: ۹۶ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۶×۱۳ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐

واقف: دانشگاه علوم اسلامی رضوی تاریخ ثبت: آبان ۱۳۸۱

یادداشتها: عنوان دیگر: رساله انیس المقلدین فی احکام الدین.

موضوع(ها): ۱. فقه جعفری - رساله عملیه.

شناسه(های) افزوده: الف. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اهداکننده. ب. عنوان. ج. عنوان: رساله انیس المقلدین فی احکام الدین.

فهرستنگار: شیبانی تاریخ فهرستنگاری: اسفند ۸۷



سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: انیس المقلدین

مؤلف: ابوالحسن اصفهانی

موضوع: فقه جعفری زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۶۳ ق محل چاپ: نجف

شماره عمومی: ۵۷۹۸ کتابخانه / بخش: مرتضویه

وقفی / خریداری: دانشگاه علوم اسلامی رضوی تاریخ

طول: ۱۶ عرض: ۱۳ شماره صفحه ها: ۹۶

مصور ☐ درسي ☐ گراوري ☐ افست ☐

ملاحظات ....

بسم الله

رسالهٔ شریفهٔ انیس المقلدین

مطابق با فتاوی

حضرت

حجة الاسلام والمسلمین رئیس الملة والدین آیة الله

فی العالمین

آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی

دام الله ظله العالی

علی رؤس الانام

در مطبعهٔ مبارکهٔ مرتضویه در نجف اشرف طبع گردید

۱۳۶۳



ببین ابابه الرحمن الرحیم و نعم
عمل باین رساله شریفه مجزی
است انشاءالله
الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العلم نوراً یقذفه فی قلب من یشاء ورفع مدارج
العلماء بکونهم ورثة الانبیا والصلوة والسلام علی الرسل الاصفی
محمد واله النقباء الازکیاء **وبعد** رسالهٔ انیس المقلدین
بعد از انکه بافتاوی حضرت مستطاب استاد الفقهاء والمجتهدین ...
الملة والدین و ایة الله فی العالمین غوث الفرقة الناجیة الشیع...
الاثنی عشریه ملاذ الشریعه سیدنا الاعظم و استادنا الافخم الاعلم

الاورع الربانی العلامة الثانی اقای اقا سید ابوالحسن موسوی اصفهانی
مد ظله العالی مطابق بود و مکرر بطبع رسید در بلاد اسلام منتشر و
مطبوع خاص و عام بود اینک بتأیید شریعت مطهره ابوالقاسم الموسوی
الاصفهانی عفی عنه بخواهش برادران ایمانی مختصری از اصول
عقاید با بعض شواهد عقلیه بتعبیرات عوام فهم بران اضافه نمود
و همچنین از مسائل دینیه عامة البلوی بران افزودم باميد انكه
انشاء الله تعالی فارسی زبانان ازان بهره مند باشند و این ذره
بیمقدار هم باین وسیله مشمول الطاف صاحب شریعت مقدسه
گردد امین یا رب العالمین پس دران دو مقصد است

مقصد اول در اصول عقاید که بر هر کس واجبست از
روی براهین عقلیه و شواهد نقلیه یا بسبب فطریات ارتکازیه
معتقد بان باشد **مقدمه** بدانکه انچه انسان تصور میکند
و در ذهن او میاید از سه قسم بیرون نیست اول ممتنع الوجود یعنی

چیزهائیکه محالست موجود شود مثل شریک باریتعالی دوم واجب
الوجود یعنی موجودیکه از ازل والی الابد خواهد بود و هرگز معدوم
نخواهد شد و در بودن هم احتیاج بغیر خود ندارد سیم ممکن
الوجود یعنی چیزیکه بودن و نبودن او جایز باشد و اگر دیگری
او را ایجاد کند هستی بهمرساند در خارج والا فلا پس میگوئیم
شکی نیست که اینهمه ممکنات که می بینیم در خارج موجود است
از آسمان و زمین و انسان و حیوان و نبات و جماد همه مسبوق بعدم
بوده و هیچ کدام بخودی خود موجود نشده و دیگری آنها را ایجاد
فرموده و چون در هر یک از آن مصنوعات بدیعه بفکر و تامل
بنگریم بوجدان مشاهده مینمائیم که هر کدام از آنها از روی
حکمت و اتقان آفریده شده پس یقین میکنیم که آنها را صانع
حکیمی خلعت وجود پوشانیده که از سنخ آنها نیست و عالم و قادر
و غنی بالذات است چون بالضروره اگر او هم ممکن الوجود باشد

محتاج بدیگری خواهد بود که واجب الوجود و محتاج بغیر نباشد و
احتیاج فعل بفاعل در نهایت وضوح و انکار او بدیهی البطلان
است پس تمام ذرات ممکنات هر کدام دلیل قاطع و برهان ساطع
است بر اثبات صانع جل شانه و فی کل شیئ له آیة تدل علی انه واحد

سؤال اصول دین چند است **جواب** اصول دین پنج است
اول توحید دوم نبوت سیم معاد چهارم عدل پنجم امامت
و بعض بزرگان عدل و امامت را از اصول مذهب شمرده اند

س توحید یعنی چه **ج** بعد از اعتقاد بوجوب وجود صانع
مقابل زنادقه طبیعیه که منکر این امر بدیهی هستند معنی توحید
اعتقاد بوحدانیت و یگانه بودن صانع و بی شریک بودن حضرت
آفریدگار مقابل قول ثنویه که شریک برای او قائل شده اند در
صنع و قائلند بیزدان و اهرمن و گویند یزدان خالق خیر و
اهرمن خالق شر است و همچنین باید اعتقاد نمود بوحدانیت

معبود که مستحق پرستش باشد مقابل عبدهٔ اصنام و غیره با انکه
صانع را واحد میدانند لکن طایفهٔ از انها برای خود معبودی
معین نموده که انها را عبادت میکنند از قبیل افتاب و ماه و
دریا و گاو و بتها که خود میتراشند بگمان انکه عبادت اینها مقرّب
بخداوند متعال جلّت عظمته میباشد س مختصری از ادلّه
توحید را بیان فرمائید ج بعد از اثبات صانع که در مقدمه
ذکر شد دلیل بر یگانگی او بلسان ساده عوام فهم چند چیز است
اوّل انکه اگر واجب الوجود را شریک میبود لابدّ عالم بسبب
شریک فاسد میشد و حفظ نظام دلیل اتحاد و وحدت او است
دوّم اتفاق انبیا بر وحدانیت حضرت حق سبحانه سیّم انکه
پیغمبران تمام از جانب خدای واحد امدند اگر چنانچه دیگری
هم بود پیغمبری میفرستاد و اظهار حیوة مینمود چنانچه با این مضمون
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام استدلال فرموده چهارم

بر فرض تعدّد اگر یکی از انها قادر بر دفع دیگری بود باید دفع نمود
باشد تا خدائی خود را کامل کند و اگر از دفع دیگری عاجز باشد
عجز نقص است و ممکن نیست واجب الوجود ناقص باشد و براهین
عقلیهٔ دیگر ذکر کرده اند که مناسب این مختصر نیست س صفات
ثبوتیه کدامست و مراد بان چیست ج هر صفت کمالیه که زائد
بر ذات واجب الوجود قدیم بالذات نباشد مثل علم و قدرت و
حیوة و امثال انها که باتفاق جمیع انبیا و اولیاء و جمیع حکماء
شریعه برای ذات اقدس سبحانه ثابت بمفاد شعر مشهور
عالم قادر و حی است و مرید و مدرک هم قدیم و ازلی پس
متکلم صادق چنانچه هر صفتی که زائد بر ذات باشد حق
سبحانه منزه است از ان و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود اول دین معرفت خدا است و کمال معرفت او اقرار بیگانگی
او ست و کمال یگانه دانستن با نست که نفی صفات از او کند زیرا که

هر صفتی خود بخود شاهد است که غیر موصوف است و موصوف
غیر صفت است خلاصه اینستکه صفتی را که از حضرت حق تعالی فرموده
اینستکه نظیر صفتی باشد که برای ممکن است بانکه ذات و صفت دو
چیز باشند که باهم متحد و یکی شده باشند مثلاً گوئیم زید عالم
است زید موصوف و علم صفت او است که مغایر و زائد بر ذات
او است بخلاف صفت علم که برای ذات باری اثبات مینمائیم و
مراد باین صفت آنکه ذات مجرد مقدس او جاهل نیست و تمام معلومات
برای ذات مجرد منکشف است و هم چنین مراد بقادر بودن او که
اثبات میکنیم اینست که همان ذات مجرد نسبت بتمام مقدورات
توانا است یعنی عاجز نیست و مراد بحیوة او اینست که همان ذات از
ازل بوده و تا ابد باقیست نه مثل حیوة زید که مسبوق و ملحوق بعدم
و دلیل بر اثبات این نحو از صفت کمالیه برای حضرتش اینست که
ذات واجب اگر عالم و قادر نباشد پس باید جاهل و عاجز باشد

وجهل و عجز نقص می باشد و این هردو از صفات ممکن الوجود و منافی
صنع مصنوعات متقنه بدیعه او خواهد بود و بایستی متصف بعلم و
قدرت باشد نه بنحو اتصاف ممکن باین صفات و آن مستلزم اقتران
و ترکیب است که آنهم از صفات ممکن و حادث است پس ناچار طریق
صحیح همانستکه بگوئیم بذاته المجرده مستجمع کمالات میباشد س
صفات سلبیه کدامست ج آنها صفاتی استکه بر خلاف صفات
ثبوتیه باشد و لایق ذات ذی الجلال الهی نباشد چنانچه در شعر
گفته اند   نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل   بی شریک است و
معانی تو غنی دان خالق   که تمام از صفات ممکن است و ذات
واجب الوجود از آنها منزه و مبرا است زیرا که مرکب بودن و جسم بودن
و دیده شدن چه در دنیا و چه در آخرت و محل حوادث شدن مثل
پیری و جوانی و صحت و مرض و خواب و بیداری یا حلول کردن
او در جسمی و شریک داشتن و شبیه و مثل و نظیر داشتن و متصف

بودن ذات بخواتصاف ممکن وحاجت داشتن تمام نقص است
وحضرت حق سبحانه منزه ازانست وذکر براهین هرکدام خارج
ازاین مختصراست س معنی نبوت چیست ج نبوت
عبارتست ازسفارت بین حضرت حق سبحانه که فیض محض است
وبین مخلوق که محتاجند بفیض او تا ایشان را ازجانب پروردگار
هدایت کند بامر الهی بانچه مصلحت دین ودنیای ایشانست ومنع
فرماید ازکارهائی که برای انها ضرر دارد ودلالتشان کند باوامر
ونواهی حق که بوحی والهام ازجانب ملك علام باو رسیده واین
منصب جلیل مخصوص بکسی است که بمجاهدات نفسانیه وتکمیلات
اخلاقیه وملکات قدسیه خود را بتوفیقات الهیه بمرتبه رسانیده
باشد که عقل او برنفس اماره اش غالب و ازمعاصی وخطا معصوم باشد
واحکام الهیه را بجنبه روحانیت خود ازمعدن وحی اخذ کند وبجنبه
بشریت بابناء جنس خود برساند زیرا که بشر زندگانی نتوانند نمود

مگر بمشارکت واجتماع تا در دفع حوائج دنیویه معاون یکدیگر باشند
ومعاونت حاصل نشود مگر بمعاشرت ومعامله بایکدیگر بقانون
عدل صحیح وامر قانون باید ازجانب حقتعالی تعدیل وتصحیح شود والا
نظام عالم مختل میشود پس وضع قوانین عدل صحیح الهی باید بتوسط
واسطه بین خالق ومخلوق باشد ویکصد وبیست وچهار هزار
پیغمبر ازجانب حقتعالی مبعوث شدند واحکام الهیه را بمردم رسانیدند
بطوریکه تشاجر ونزاع بین انها واقع نشود وبشارت دادند
بامدن حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب
ابن هاشم بن عبدمناف صلی الله علیه واله س مختصری
ازادله نبوت حضرت رسول صلی الله علیه واله را بیان فرمائید
ج نبوت خاصه ثابت میشود بچند دلیل اول درکتب منزله
ازتوراة وانجیل وزبور وصحف اسمانی بشارت قدوم انحضرت
راداده چنانچه درقران بیان فرموده باسم واوصافش بطوریکه

[illegible]

اورا میشناختند واکر دران کتب بشارت مزبوره نبود یهود ونصاری
که خصم انحضرت بودند حضورًا تکذیب مینمودند واکر تکذیب
کرده بودند باید بتواتر بما برسد ونرسیده دوم باتفاق
مسلمانان وکفاران بزرکوار شاکردی احدی نفرموده بود ودرس
نخوانده بود ونوشته بود مع ذلک ازانحضرت درهر موضوعی
فرمایشاتی صادر میشد که صدور ان بدون تعلم محال عادی است
واین خرق عادت از معجزات باهره است سیم معجزات وخوارق
عادات باندازه از انجناب بظهور رسیده مثل شق القمر وتسبیح
سنکریزه در کف او وامثال انها که بحد تواتر چهارم قران
شریف که از جانب حق سبحانه اورده در نهایت فصاحت و
بلاغت وفصحاء عرب را عاجز نموده ودر مقام تحدی فرموده فَأْتُوا
بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ ٧ وانها در مقام معارضه برامدند وعاجز شدند
س معنی معاد چیست ج معاد عبارتست از عود ارواح باجساد

بعد ازانکه مرده باشند واستخوانهای ایشان پوسیده باشد در
روز قیامت زنده میشوند برای حساب ومجازات واستبعاد کفار
درانمعنی با قدرت قاهره الهیه وجهی ندارد البته کسی که از اول
ایشانرا از عدم ایجاد فرموده وحیوة داده قدرت دارد بر جمع کردن
اعضاء ایشان که خاک ومتفرق شده وبرکرداند روح را دران
برای پاداش اعمال نیکوکاران وبدکاران س مختصری از
ادله لزوم معاد را بیان فرمائید ج بچند دلیل ثابتست
اول اتفاق جمیع مسلمین بلکه جمیع ارباب ملل وشرایع است بر
ثبوت معاد جسمانی دوم انکه می بینیم که ظلم در بنی ادم زیاد
است وغالبًا تدارک ان در این دنیا نمیشود پس اکر روز جزائی
نباشد که دران روز حق مظلومرا از ظالم بکیرد لازم میاید خداوند
عالم جلت عظمته که عادل حکیم است سبب ظلم شده باشد واین
عقلًا قبیح وممتنع است سیم انقدر از ایات قرانیه واحادیث

نبوتیه متواتره درخصوص معاد جسمانی وارد شده که بحد
ضرورت دین رسیده چهارم انکه خدا بندگانرا بتکالیفی
مکلف فرموده وبرای مطیع وعاصی وعده مجازاتی قرار داده
که اگر نباشد خلف وعده وتساوی عاصی ومطیع لازم میاید
وهردو قبیح است س مختصری از وقایع بعد از مرگ را بیان
فرمائید ج باید اعتقاد نمود که انچه خاتم الانبیا واوصیا
ان بزرگوار علیهم السلام از جانب حق سبحانه خبر داده اند تمام حق
وثابتست وانکار انها کفر است ودر کیفیات عالم برزخ یعنی
بعد از مردن تا قیامت از سؤال نکیرین در قبر وفشار قبر و
بهشت ودوزخ برزخی وتنعیم وشدائد مردگان ونفخ صور
اول ومردن جمیع جانداران حتی ملائکه اسمان وحمله عرش و
هم چنین در کیفیات زنده شدن ومحشور شدن تمام خلق
بعد از نفخ صور دوم در قیامت وتطایر کتب وحساب ومیزان

۷ اگر روز جزائی نباشد خلق عالم را نظم فاسد نمود پنجم

وصراط وحوض وشفاعت وبهشت وجهنم اخروی اخبار بسیار
منقولست ونسئل الله الثبات والعفو والعافیة وحسن العاقبة
س معنی عدل را بیان فرمائید ج عدل از صفات فعل الهی
است باینمعنی که حق سبحانه راست رفتار ودرست کردار است و
خلاف انرا هرگز روا ندارد واز او صادر نمیشود وبدون استحقاق
عقوبت ومؤاخذه نمیفرماید بچند دلیل اول انکه ظلم قبیح است
وبر او روا نیست دوم انکه غالباً ظلم بسبب احتیاج واقع میشود
واو غنی بالذاتست سوم بندگانرا نهی از ظلم فرموده چگونه
خود مرتکب شود چهارم در تمام کتب منزله اخبار بعدل خود
فرموده پنجم نظم افرینش مقتضای عدل اواست وتکلیف فرموده
بندگان خود را برحسب قدرت واختیاری که بانها داده در فعل
وترک هرکدام مطیع باشند تفضلاً اجر وثواب میدهد وعاصی
را اگر عقوبت فرماید باستحقاق او بمقتضای عدل خواهد بود

ونسئل الله من فضله الواسع س معنی امامت را بیان فرمائید
ج امامت منصبی است الهی برای ریاست عموم خلق در امور
دین و دنیای ایشان و همان دلیل که قائم است بر وجوب بعثت
پیغمبر صلّی الله علیه و آله از باب لطف عباد دلالت میکند بر وجوب
نصب امام بعد از وفات پیغمبر صلعم تا خلیفه و جانشین او باشد در
اصلاح امر معاش و معاد و قیام بوظائف نبوّت و تبلیغ
نوامیس الهیّه که اوامر و نواهی باشد فرقی که هست اینستکه
نبی مؤسس تکالیف الهیّه مأخوذه از وحی است و امام باید
بعنوان نیابت از نبی آنها را باقی بدارد و بامّت برساند و آنچه
در نبی معتبر است در او نیز معتبر است از معصوم بودن از معاصی
و خطا و نسیان و جامعیت صفات حمیده و اخلاق پسندیده و علم بطرق
معارف و مصالح دینیّه در رسانیدن بکسانیکه درک نبی را ننموده
اند تا آنکه احکام دین را کما هو حقّه بامّت تبلیغ فرماید زیرا اگر مجرّد

آمدن نبی و آوردن شرایع و رفتن او از میان مردم کافی نیست
بخصوص بعد از خاتم الأنبیاء صلّی الله علیه و آله که بر تمام ماسوی
الله از ملائکه و انس و جن و غیرهم تا قیامت مبعوث است و
در وقت رحلت آن بزرگوار از اهل عالم قبول اسلام ننموده
بود مگر قلیلی که بسیاری از آنها منافق بودند و چرا اعتماد است
بر کسانیکه هنوز ایمانشان محکم نشده که بتوانند حفظ چنین شریعتی
را بنمایند و در هر عصری احکام دین را دست بدست بمردم
برسانند و قرآن شریف هم که در دست آن بزرگوار است بالضروره
وافی بتمام احکام نیست مگر بضمیمه امام علیه السلام تا مبیّن
متشابهات و مفسّر مشکلات آن باشد پس واجبست در هر
عصری امام مفترض الطاعه ما بین خلق باشد لکن بر امام واجب
نیست که خود تحمّل مشقّت فرموده مثل نبی که باید تبلیغ
احکام کند بلکه مثل امام مثل کعبه است که رغبت مکلّف است

برفتن حضور امام علیه السلام و سؤال از مسائل دین نه انکه بر امام
واجب باشد رفتن نزد رعیت برای یاد دادن پس اگر رعیت
تخلف از وظیفهٔ خود نمود و از فیوضات محروم ماند مسئول
خواهد بود   سؤال امامت بچه چیز ثابت میشود جواب
بنص پیغمبر صلی الله علیه و آله و بانص منصوب از جانب او و با
بصدور معجزات و نصوص مستفیضهٔ متواتره و معجزات هر
کدام از ائمه علیهم السلام در کتب شیعه و سنی ثابت است
سؤال عدد ائمه چند است   جواب بنصوص متفق
علیها از شیعه و غیرهم از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله ثابت است
که فرموده ائمه بعد از من دوازده نفرند و تمام از قریشند
و دیگر فرموده باصحاب خود که دو چیز بزرگ میان شما میگذارم
مادامیکه متمسک بانها باشید هرگز گمراه نشوید کتاب خدا
و عترت اهل بیتم   سؤال اسماء حضرات ائمه علیهم السلام

را بیان فرمائید   جواب اسماء ان بزرگواران باین ترتیب
است اول علی بن ابی طالب علیه السلام دویم امام حسن
مجتبی ع سیم امام حسین ع چهارم علی بن الحسین زین العابدین
پنجم محمد بن علی الباقر ع ششم جعفر بن محمد الصادق ع هفتم موسی
ابن جعفر الکاظم ع هشتم علی بن موسی الرضا ع نهم محمد بن علی
التقی ع دهم علی بن محمد النقی یازدهم الحسن بن علی العسکری
دوازدهم الحجة بن الحسن المهدی صلوات الله علیهم اجمعین امام
حی منتظر که متجاوز از یکهزار سال است که بامر خداوند در
پس پردهٔ غیبت روی همین زمین مخفی و مستور است و بر
حسب وظیفه با انچه از جانب حق سبحانه مامور است از خدمت
گذاری شرع و صیانت خواص شیعه که در اطراف عالم میباشند
اشتغال دارد و هرگاه زمین طرفة العینی از امام خالی بماند اهلش
را بخود فرو برد و اسمان و زمین بوجود مبارکش برپا است و هم

که از مبدأ فیض بذرات کائنات برسد از یمن وجود او است
وهر بلائی که بسبب معاصی مقتضی است که متوجه بندگان
گردد غالباً ببرکت وجود مبارکش مرتفع است وانتفاع اهل
زمین بوجود میمنت مسعودش در حال غیبت نظیر انتفاع
بقرص آفتابست در وقتی که محجوب با بر باشد وهمیشه منتظر
امر الهی است که چه وقت صلاح در ظهورش باشد تا ظاهر
شود وعالم را که از ظلم جبابره وظلم پر شده پاک و پر از عدل
وداد فرماید وبسیف قاطع خود دین خدا را نصرت کند
سؤال علت غیبت آنحضرت را بیان کنید **جواب**
علت استتار او خوف از ملوک جبابره ودشمنان است بر
جان خود که مبادا شهیدش کنند پس حفظ وجود مبارکش
متوقف بر استتار است **سؤال** چه فرق است بین
آنحضرت وبین آباء طاهرین او از حیث خوف از اعداء که

آنها

آنها در زمان آبای عزلت ظاهر بودند وغائب نشدند ج
دو فرق است اول آنکه از بدو اسلام کوشش اهل عالم شد که
بموجب آیهٔ مبارکه لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
دین اسلام بر جمیع ادیان غالب خواهد آمد وخود رسول خدا
وهیچ کدام از اوصیاء آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین متمکن
از آن نخواهند شد وهمه مظلوم ومقهور سلاطین جور
خواهند بود وایشان مزاحمتی با سلاطین جبابره ندارند
بجز خاتم اوصیا که امام دوازدهم است لذا ملوک چندان
اهتمامی در دفع آنها نداشتند ومع ذلک بمجرد آنکه آن
بزرگواران باعمال تقیه بقدر امکان نشر دیانت میفرمودند
بر هر کدام از ایشان بر دشمنان چه صدمائی وارد شد تا
آنکه بالاخره مقتول ومسموم شدند بخلاف امام دوازدهم
صلوات الله علیه چون شنیده بودند که او ست ماحی کفر و

زندقه

وزنده واو است که تمام روی زمین را مسخر فرماید لذا
دشمنان در صدد جلوگیری از انحضرت بودند بلکه بسیاری
از صدمات که بر اباء ان بزرگوار وارد اوردند برای جلوگیری
از ان نتیجهٔ عالم بود که مزاحم سلطنت سلاطین عالم است
نظیر فرعونیان که شنیده بودند از بنی اسرائیل کسی بیاید
که ایشانرا غرق و تلف خواهد نمود چقدرها اطفال را
کشتند و زنهای ابستن بنی اسرائیل را شکم دریدند که بگمان
خود دفع امدن موسی علیه السلام را باین کارها نمایند
غافل از انکه مشیت کاملهٔ الهیه غالب خواهد بود دوم
انکه چون عدد ائمه علیهم السلام منحصر است بدوازده نفر و هر
کدام از یازده نفر ایشان که از دنیا رحلت فرمودند جانشین
داشته بخلاف دوازدهمی که خلافت و امامت بوجود
نازنین او ختم میشود پس هرگاه عارضه بوجود مبارک او عارض

شود چون جانشین ندارد زمین بی حجت میماند وحفظ عالم
موقوف بر حفظ امام است خدا بر حسب استعداد اهل
عالم او را اذن ظهور دهد و او بامر الهی ظاهر شود و شمشیر
انتقام بکشد باسیصد و سیزده نفر از خلص شیعیان که از
اطراف عالم مجتمع شوند و بنصرت الهیه بر تمام دشمنان غالب
شود جعلنا الله من انصاره سؤال از ولادت ان بزرگوار
تا این تاریخ یکهزار و یکصد سال چیزی گذشته است و طول
عمر باین اندازه ها بر خلاف عادت است جواب برای
دفع استبعاد مزبور علماء شیعه و سنی کتابها نوشته اند و
چقدرها از معمرین عالم را شمرده اند از جمله حضرت نوح علیه السلام
بنص قران نهصد و پنجاه سال قوم خود را دعوت نموده و خضر
و عیسی بنصوص متواتره حیوة دارند و لقمان حکیم سه هزار
و پانصد سال زندگانی نمود و از کفار جن شیطان رجیم قبل

از خلقت آدم تا ایام ظهور آنحضرت زنده میماند و دجال از
زمان حضرت ختمی مرتبت تا زمان ظهور زنده خواهد ماند
این استبعادات ناشی از عدم اذعان بقدرت کامله الهیه
است **سؤال** تقلید چیست **جواب** مسئله
فرعیه از مجتهد گرفتن و در مقام حاجت بان عمل نمودنست
سؤال شرائط کبری که جایز التقلید است بیان فرمایند
جواب چند چیز در او معتبر است اول بلوغ دوم عقل
سیم اثنی عشری بودن چهارم عدالت پنجم طیب مولد
بانکه ولد الزنا نباشد ششم اجتهاد هفتم حیوة پس تقلید
میت ابتداء جایز نیست **سؤال** اجتهاد بچه چیز ثابت
میشود **جواب** ثابت میشود اجتهاد بعلم یا بخبر دو
عادل از اهل خبره یا باخبار جماعتی از اهل خبره که قول انها
مفید علم باشد **سؤال** تقلید اعلم واجبست یا هر که

مجتهد است میتوان تقلید او را نمود **جواب** بلی واجب
است مگر آنکه اعلم شناخته نشود **سؤال** معنی اعلم را
بیان فرمایند **جواب** اعلم یعنی استادتر در بیرون آوردن
حکم الله و فهمیدن ان از ادله شرعیه **سؤال** هرگاه مکلف
دستش باعلم نرسد چکند **جواب** مخیر است ما بین تقلید
غیر اعلم با رعایت الاعلم فالاعلم و عمل باحتیاط اگرچه مستلزم
تکرار باشد **سؤال** معنی الاعلم فالاعلم چیست **جواب**
یعنی هرگاه چند نفر مجتهد که هستند هر کدام از انها که علم او
بیشتر و استادتر است در فهمیدن حکم خدا از دیگران اگرچه
شخص دیگر اعلم از او باشد که دستش باو نمیرسد از او تقلید
کند **سؤال** هرگاه اصلا دستش بمجتهد نمیرسد نه اعلم
و نه غیر اعلم چکند **جواب** عمل باحتیاط کند **سؤال**
هرگاه طریق احتیاط را نداند چکند **جواب** میپرسد

از دو نفر عادل از اهل خبره یا یکی که خبر دهد از طریق احتیاط
برای مجتهدی سؤال هرگاه تقلید غیر اعلم نمود بعد متمکن
شد از تقلید اعلم عدول واجب است یا نه جواب بلی
واجب است عدول باعلم مسئلهٔ تقلیدی که مصحح عمل
است عبارتست از یاد گرفتن مسائل بقصد آنکه در وقت
حاجت بآن عمل کند اگرچه عمل نکرده باشد لکن در بقاء بر تقلید
میت که جایز میدانیم محتاج است سؤال آیا جایز است
که از دو مجتهد مساوی بعض مسائل را از یکی و بعضیرا از
دیگری تقلید کند جواب بلی جایز است سؤال
با فرض تساوی و موافقت دو مجتهد در رأی آیا تعیین تقلید
احدهما لازم است یا نه جواب احوط تعیین است هرچند
ظاهر جواز تقلید هر دو است باهم سؤال صحت و فساد
عمل جاهل قاصر و مقصر را بیان فرمائید جواب اگر فرض شود

که عمل را بقصد قربت بجا آورده و اتفاقاً با رأی اعلم موافق
شده صحیح است و الا فلا سؤال اگر فتوای اعلم با غیر اعلم
موافق باشد آیا تقلید غیر اعلم میتوان نمود یا نه جواب
بلی در اینصورت جایز است بلکه تقلید او با شک در
موافقت ضرر ندارد مگر در صورتیکه علم بمخالفت داشته
باشد تفصیلاً یا اجمالاً بطریق شبههٔ محصوره سؤال
در حواشی و متون مسائل عملیه مرسوم است مینویسند بانکه
محل تأمل است یا محل اشکال است یا اشکال دارد یا خالی از
اشکال نیست یا باید مراجعه شود یا محتاج بمراجعه است یا
معلوم نیست آیا مفاد تمام این عبارات بی فتوائیست که
میتواند رجوع بغیر کند یا عبارات فرق دارد جواب
بلی در تمام صور میتواند رجوع بدیگری کند مگر لفظ معلوم
نیست که اینها تماماً فتوی است و باید نشستن طریق احتیاط

یا نه همین مراد از کسانیکه میدانند سئوال کنند **سؤال**
مقلد یکه فعلاً نمیتواند در مسئله محل ابتلاء رجوع بمجتهد خود
کند و در رسائل عملیه هم مسئله را ندیده یا نیست یا میتواند
رجوع بغیر اعلم کند باعدم علم بمخالفت فتوای او با مجتهدش
جواب بلی میتواند **سؤال** اگر مقلد در مسائل
ابتلائیه که در رساله است اطمینان ندارد ببقاء مجتهدش بر
ان رأی و فتوی تکلیفش چیست **جواب** بر رساله مرحوم
میتواند عمل کند و تفحص بر او لازم نیست **سؤال** یکمسئله
در بعض رساله‌ها فتوی فرموده اند و در بعض رساله‌ها
احتیاط نموده اند آیا میتوان رجوع بغیر نمود یا نه **جواب**
وضع رساله‌های محشی بر اینستکه غالباً فتوای متن اگر موافق با
احتیاط باشد بحال خود میگذارند و حاشیه نمینویسند پس
منافی نیست با رساله دیگر که احتیاط فرموده و عمل بران احتیاط

خواهد

خواهد بود یعنی در اینمسئله میتواند بدیگری رجوع کند اما اگر
هر دو نوشته یک مجتهد باشد البته احتیاط کند تا حال معلوم
شود و اگر تأخر یکی را بداند عمل بران متأخر است **سؤال**
مسائلیکه محتاج الیه شخص است و فتوای حضرتعالی بدست
نیاید اگر مقلد بخواهد بدیگری از علماء اعلام رجوع کند اذن
میفرمائید یا نه **جواب** بلی مأذونست رجوع نماید در ان
مسئله بمجتهد جامع الشرائط **سؤال** اگر دو نفر یا بیشتر
مساوی در علم باشند چگونه است **جواب** مخیر است
هر یکرا تقلید نماید ولی اگر یکی اورع است تقلید او را مقدم
بدارد **سؤال** مظنه باعلم بودن کفایت میکند یا علم لازم
است **جواب** بلی کافی است ولی کافی با تعسر تحصیل علم علی وجه
بلکه احتمال اعلم بودن یکی دون دیگری لازم است تقلید
انکه محتمل است اعلم بودن او **سؤال** عدول از تقلید میتوان

نمود

نمود یا نه جواب اگر علم با علمیت دیگری پیدا کرد واجبست
عدول اما با شك واحتمال بلکه با مظنه نمیتوان عدول نمود
سئوال بقاء بر تقلید میت واجبست یا جایز نیست جواب
اقوی جواز بقاء بر تقلید میت است هرچند ولی لستکه انچه
موافق با احتیاط است بان عمل نماید واینست معنی احوط القولین
واگر بر رسالههای مرحوم مجتهدین شیخ انصاری ومیرزای شیرازی
طاب ثراهما با احتیاط انها عمل نماید کافی است دیگر حاجت
با حوط القولین نیست سئوال فتوای مجتهد را چگونه
باید تحصیل نمود جواب از خود مجتهد یا از دو عادل بلکه
یك عادل یا از کسی که راستگو باشد یا از کتاب و رساله که
فتوای مجتهد در انست با اطمینان بصحت ان سئوال
اگر بعضی فتوای مخالف با احتیاط از مجتهد نقل کردند و بعضی
احتیاط چه باید نمود جواب بفتوی عمل نماید ان احتیاط

اگرچه مطلق باشد در اینجا لازم نیست سئوال احتیاط
مطلق کدام است جواب احتیاط مطلق انستکه جای
فتوی باشد یعنی فتوی نگفته واحتیاط کرده ولی اگر فتوی
فرموده اند واحتیاط هم نموده ان احتیاط لازم نیست
سئوال احتیاط مطلق که لازم است یا میتوان ترك نمود
جواب بلی برجوع بمجتهد دیگر با رعایت الأعلم فالأعلم اگر
شناخته شود میتوان ترك نمود

کتاب طهارت

وبیان احکام ابها سئوال ابیکه بملاقات نجاست نجس
نمیشود کدام است جواب اب جاری وکر وچاه وباران
سئوال جاری کدام است جواب اب روان ماده دار
جاریست و اگر ماده دارد و روان نیست مثل چشمهها که انها
ایستاده باشد اگر از انها بردارد یا از اب بیرون میاید در حکم

جاری است سؤال کر کدام است جواب کر شصت
وچهار من الّا بیست مثقال بوزن شاه است و من شاه هزار
ودویست وهشتاد مثقال وهر مثقال بیست وچهار نخود و
بحسب مساحت سه وجب و نیم طول وسه وجب و نیم عرض
وسه وجب و نیم عمق که مجموع چهل ودو وجب و هفت ثمن
میشود پس هر شکلی که باین عدد وجب باشد کر است بنا
بر احوط اگر چه اقوی کفایت سی و شش وجب است مثل انکه
هر یک از طول وعرض ان سه وجب و عمق چهار وجب باشد
سؤال چاه چه حکم دارد جواب در بعضی چیزها مقدری
اب بکشند و ترک کنند بنحوی که در رساله های مفصّله مرقوم
است اگر چه اقوی عدم وجوبست سؤال باران چه حکم
دارد جواب باران در حال باریدن بقدری که بر روی
سنگی قدری جاری شود بملاقات نجاست نجس نمیشود

سؤال یک قطره یا دو قطره باران از اسمان ایا پاک کننده
است یا نه جواب معلوم نیست پس باید قطرات باران پی
در پی انقدر ببارد که عرفاً از باران گویند بلکه احوط انستکه
انقدر بباشد که اگر بر روی سنگ یا زمین سخت ببارد قدری
جاری شود سؤال تغیر اب چه حکم دارد جواب تمام
ابهائی که تغیر یافت بملاقات نجس یا ملاقی ملاقی نجس
برنگ یا بوی یا طعم نجس میشود امّا بتغیر بمجاورت با نجس یا تغیر
بغیر رنگ و بوی و طعم نجس نمیشود سؤال تغیر تقدیری
چه معنی دارد جواب تقدیری دو قسم است اوّل
انستکه از نجاسات که رنگ یا بوی یا طعم داشته باشد و از ان
رفته در اب میریزد که اگر رنگ یا بوی یا طعم ان نرفته بود ابرا
تغیر میداد در این قسم اب نجس نمیشود دوّم انکه ابیستکه
مثلاً سرخ رنگ خون در ان میریزد که اگر اب سرخ نبود تغیر

ظاهر میشد درین دو قسم اب نجس است بنا بر احوط س
اب متغیر بنجاست بچه پاک میشود جواب بعد از زوال تغیر
ان اگر با سبکه بملاقات نجاست نجس نمیشود مخلوط بشود پاک
میشود چه جاری باشد چه باران چه امثال ان سؤال
طریق تطهیر اب نجس چیست جواب ابیکه بملاقات
نجس نجس نمیشود مثل باران و کر و جاری بران وارد شود پاک
میشود اگر چه از منبع دور باید بواسطه فواره لکن اگر فواره
بلند است باید روی فواره را بگیرد تا انکه متصل بحوض شود
پس اگر یک کر اب نجس و اب وارد ممزوج شود عرفا پاک
میشود و باقی اب بممزوج شدن باب ممزوج نیز پاک میشود
و اقوی کفایت مجرد اتصال و عدم اعتبار امتزاج است
سؤال اب وضو و غسل چه حکم دارد جواب از هر
دو پاک است و پاک کننده است بلی اب غسل جنابت و امثال

انرا در وضو و غسل استعمال نکند با وجود اب دیگری س
اب استنجاء چه حکم دارد جواب اب استنجاء از غایط و بول
پاک است اگر از محل معتاد تعدی ننموده و متغیر بنجاست نشده و
نجاست دیگری بان نرسیده سؤال چگونه باید استنجاء
نمود جواب استنجاء بول دو دفعه و از غایط همین قدر که
پاکیزه شود و لزوجت ان برود سؤال در حال تخلی چه
باید کرد جواب ستر عورت که قبل و دبر در مرد و زن و
بیضتان نیز در مرد باشد بپوشاند از هر کسی که جایز نیست
نگاه کند بانها اگر چه کافر یا دیوانه یا طفل ممیز باشد و حرام
است استقبال قبله و استدبار ان حتی در حال استنجاء و استبراء
سؤال محل استنجاء بغیر اب پاک میشود یا نه جواب بول
بغیر اب پاک نمیشود و محل غایط اگر تعدی نکرده بسه سنگ یا
سه کهنه و امثال انها که غایط را ازاله کنند پاک میشود که عین

غائط برود اگرچه لزوجت ان باقی بماند واگر بسه عدد ازاله کند
نشود زیادتر استعمال کند وباید انسنگها و کهنه ها وامثال
ان پاك باشد واستخوان وسرگین وچیزهای محترم نباشد س
استبراء چگونه باید نمود جواب بعد از بول سه مرتبه
بکشد بقوت از بیخ مقعد تا اصل ذکر واز انجا سه دفعه بکشد
تا حشفه بعد از ان حشفه را سه دفعه بقوت فشار دهد و
این استبراء مستحب است برای مرد وفائدهٔ ان انستکه اگر
بعد از ان رطوبت مشتبهه خارج شود پاك است واگر وضو
گرفته باشد شکسته نمیشود سؤال اب مضاف چه
حکم دارد جواب گلاب واب هندوانه و [illegible]
وشربت وامثال ان که اب مضاف است بملاقات نجاست
نجس میشود هرچه زیاد باشد مگر انچه در بالای متصل بنجاست
است مثل گلابی که از ان در دست بهوده مثلاً بریزد پاك کننده

نجاست نیست و وضو وغسل از ان فائده ندارد سؤال
اب نیم خورده حیوانات یا مباشرت انها چه حکم دارد ج
از کافر وخوك غیر دریائی نجس است واز حیواناتیکه گوشت
انها حرام است مکروه است مگر مؤمن وگربه

در بیان وضو وکیفیت احکام ان

سؤال کیفیت وضو را بیان فرمائید جواب دو شستن
و دو مسح کشیدن است شستن صورت و دو دستها است
ومسح سر و پاها است اما صورت را از محل روئیدن موی باید
شست تا بچانه در طول وبقدر ما بین انگشت وسطی وابهام
کر انگشت در شست در عرض وموهای صورت مثل ابرو و
شارب وریش را که از حد صورت نگذشته باشد واجب است
که روی انها را بشوید نه زیر انها را مگر انکه زیر انها نمایان
باشد که هر دو را بشوید وانچه از ریش که از حد صورت

کذشته واجب نیست شستن ان و دستها را از مرفق بشوید
تا سر انگشتان و اگر بعکس بشوید در صورت و دستها وضو باطل
است و سر را محاذی پیشانی مسح کند و پاها را از سر انگشتان
تا متصل شود بساق سؤال دیگر از احکام شستن و
مسح کشیدن چیست جواب چیزیکه مانع از شستن بشره
و مسح ان باشد رفع نماید و موی پیش سر مانع نیست میتواند بران
مسح بکشد بشرطیکه از حد تجاوز نکرده باشد و اگر شك در
بودن مانع باشد مظنه بنبودن ان پیدا کند و اگر چیزی باشد
که نمیداند مانع است یا نیست رفع نماید و باید مسح بکف دست
و رطوبت ان از وضو باشد از آب دیگر نگیرد بلکه از جاهای
دیگر وضو نیز نگیرد مگر انکه کف دست خشك شده باشد
سؤال وضوء جبیره چگونه است جواب کسی که بعض اعضاء
وضوء او تخته یا کهنه یا مثل ان بسته باشد و نتواند بردارد

اگر ممکن است آب بزیران برساند اگرچه بفرو بردن در نهر
یا حوضی باشد و اگر نمیتواند اگرچه بسبب ضرر داشتن باشد
یا نجس است و نمیتواند تطهیر نماید مسح کند بران چوب یا کهنه
باب و قصد مسح و شستن را بنماید اما اگر باز باشد یعنی از زخم
یا دنبل بسته بچوب یا کهنه نباشد و شستن ان ممکن نشود
خود انرا مسح نماید و اگر نشود کهنه پاکی بران گذارد و بران کهنه
مسح کند و در اینجا و در مثل ان احتیاطاً تیمم هم بکند و در غسل
و تیمم نیز این احکام جاریست و در خصوص تیمم احتیاطاً عبادت
را هم قضا بکند و نمازهای با جبیره قضا ندارد ولی وضو و
غسل و تیمم را بعد از خوب شدن اعاده نماید سؤال موجبات
و مبطلات وضو چند چیز است جواب دوازده چیز است
اول بول دوم غائط سیم ریح چه با صدا باشد چه بی صدا
و بادیکه از فرج زنان بیرون اید مبطل نیست چهارم خواب

غالب شود بر چشم و گوش پنجم دیوانگی ششم بیهوشی هفتم مستی
هشتم رطوبت مشتبهه که بیرون بیاید از حشفه چه در حال
استبراء از بول یا پیش از آن چه در میان بول و رطوبت مشتبه
فاصله شده باشد یا نه نهم استحاضه قلیله یا کثیره یا متوسطه
دهم حیض یازدهم نفاس دوازدهم مس میت بعد از سرد
شدن و پیش از غسل علی الاحوط و اما جنابت اگرچه ناقض
وضو است لکن موجب غسل است فقط و بغسل جنابت نماز
و میتوان بعمل آورد بدون وضو بخلاف حیض و نفاس و استحاضه
متوسطه یا کثیره که غسل با وضو هر دو واجبست و همچنین
در مس میت بنا بر احوط سؤال آیا واجبست تقدیم وضو
بر اغسال مزبوره یا مخیر است در تقدیم و تأخیر جواب اظهر
عدم وجوب تقدیم وضو است اگرچه احوط است سؤال
آیا مدار در حصول هر یک از نواقض مذکوره بر علم است یا بر ظن

جواب مدار بر علم است لکن بهتر در صورت مظنه بحصول آنها
بلکه در شک نیز باطل کردن وضو و اعاده است

در بیان شرائط وضو

سؤال در وضو چند شرط است جواب پنج شرط
است اول پاک بودن آب و محل وضو و مباح بودن آب و
فضائیکه در آن وضو میگیرد و غصبی و طلا و نقره نبودن ظرف
آب یا انحصار و استعمال آب ضرر نداشته باشد و بر تشنگی
خود یا مؤمن یا کسی که بآن حاجت دارد نرسد اگرچه حیوان
باشد دوم ترتیب یعنی شستن صورت بعد دست راست
بعد دست چپ بعد مسح سر بعد مسح پای راست بعد مسح
پای چپ سیم موالات یعنی دست راست را مثلاً تأخیر
نیندازد تا صورت خشک بشود چهارم مباشرت که خود بشوید
و مسح کند نه دیگری مگر در حال ضرورت پنجم نیت یعنی

قربةً الی الله تعالی بجا آورد و قصد وجوب و ندب و رفع حدث
و استباحه لازم نیست سؤال وضو و غسل پیش از وقت
را چگونه باید نمود جواب قصدش این باشد که وضو میگیرم
یا غسل میکنم که طهارت حاصل شود یا یک سورهٔ توحید مثلاً
بخوانم بلکه برای حصول طهارت مطلق قربةً الی الله تعالی و نیت
وجوب و استحباب ننماید چون غالباً مبتلا بنماز قضا میباشد
و اگر بعد سورهٔ توحید نخواند ضرر ندارد و در ماه رمضان در
شب نیز چنین غسل نماید و انظر بفقه احتیاطی است خالی

معتد به در بیان احکام خلل در وضو از اشکال

سؤال کسیکه یقین داشت بوضو بعد شک کرد که باطل
شد ببول کردن مثلاً یا یقین بوضو نداشتن داشت بعد شک
در وضو گرفتن دارد چه کند جواب در اول بنا بر وضو
داشتن بگذارد و در دوم بر وضو نداشتن و اگر شک در شستن

یا مسح عضوی نمود اگر بعد از فراغ از وضو است اعتنا نکند و اگر
در بین وضو است تدارک نماید و اگر در مسح پای چپ شک
کرد اگر داخل در کاری دیگر شده است اعتنا نکند س
وضو از چه چیز واجب است ج از بول و غائط و بادیکه
از دبر بیرون بیاید و خواب و استحاضه و هر چه عقل را ببرد
از دیوانگی و بیهوشی و مستی و شکسته نمیشود بمذی بمیم و
ذال نقطه دار و آن آبیستکه بعد از بازی و بوسه و نگاه بیرون
میاید و نه بودی بواو و دال مهمله و آن آبیستکه بعد از بول
بیرون میاید و نه بوذی بواو و ذال نقطه دار و آن آبیست
که بعد از منی بیرون میاید سؤال وضو از برای چند
چیز واجبست جواب واجب است از برای نماز و
اجزاء فراموش شدهٔ آن و رکعتهای احتیاط بلکه سجدهٔ
سهو و طواف واجب و بنذر و عهد و یمین نیز وضو واجب

میشود و واجبست وضو از برای مس کتابت قرآن و اسمهای
خدا و انبیاء و اوصیا بلکه ملائکه بلکه حضرت زهراء سلام
الله علیها علی الأحوط اگر مس واجب باشد و الا حرام است
بدون وضو

در بیان احکام غسل است

سؤال غسل واجب چند عدد است جواب شش
عدد است جنابت و حیض و نفاس و استحاضه و غسل میت و مس
ان سؤال جنابت بچه چیز حاصل میشود جواب بدو
چیز اول بیرون آمدن منی چه از مرد و چه از زن و در حکم آنست
رطوبت مشتبهه که بعد از آن و پیش از استبراء بول بیرون بیاید
دوم جماع اگر چه منی بیرون نیاید همین که پنهان کرد حشفه را
که سر آلت است در دبر یا قبل غسل واجبست سؤال
کیفیت غسل چگونه است جواب غسل دو کیفیت دارد
ترتیبی و ارتماسی اما ترتیبی آسانتر و ثوابش بیشتر است سر و

گردن را بعد از نیت میشوید بعد طرف راست بعد طرف چپ
و عورت و ناف را با هر دو طرف بشوید اما ارتماسی اینستکه بعد
از نیت یکدفعه فرو رود در آب که در یک آنی تمام بدن او
در آب باشد سؤال چند چیز توقف بر غسل دارد جواب
شش چیز اول طواف واجب و نماز چه واجب و چه مستحب و اجزاء
فراموش شده و رکعات احتیاط و سجده سهو دوم روزه که
باید عمدا تا صبح بی غسل نماند اما اگر بعد از صبح مثلا محتلم شد
ضرر بر روزه او ندارد سیم مس کتابت قرآن و اسمهای انبیاء و
ائمه هدی بلکه ملائکه و حضرت فاطمه ع چهارم داخل مسجدها
شدن مگر بمجرد عبور و در مسجد الحرام و مسجد النبی ص عبور هم
جایز نیست و مشاهد مشرفه ملحق باین دو مسجد است علی
الأحوط پنجم داخل شدن در مسجد بجهت گذاردن چیزی
در آنجا ششم خواندن سورهای قرآن که سجده واجب دارد اگر چه

بسم الله انها را بقصد انها بخواند و انچهار سوره است والنجم
واقرا والم تنزیل وحم سجده سؤال واجبات غسل
چند است جواب واجبات غسل و شرایط ان مثل وضو
است مگر اینکه در غسل موالات واجب نیست و غسل جنابت
احتیاط انستکه قبل از غسل وضو را بگیرد سؤال از
برای غسل ترتیبی از کر خارج شدن بجهت هر عضوی میخواهد
یا نه جواب نمیخواهد

در بیان غسل مس میت

سؤال کیفیت غسل مس میت چگونه است و سبب ان چیست
جواب کیفیت ان مثل غسل جنابت و سبب ان انسان
را مس نمودنست بعد از سرد شدن و پیش از غسل دادن و اگر
تیمم داده باشند مس ان غسل واجبست علی الاحوط و مس
بناخن هم میشود نه بموی سؤال غسل جمعه واجبست یا نه
جواب مشهور میان علماء واجب نبودنست ولی و

واحوط مداومت ترك نکردن انست اگرچه قضا ان باشد

در بیان تیمم

سؤال مورد تیمم کجاست جواب اول اب نداشتن
یا نبودن انست یا باشد ولی میترسد که برود بیاورد دوم
ضرر داشتن بجهت ناخوشی یا زخمی یا چشم دردی و اگر بترسد
از ترکیدن دستها و خون امدن از انها که تحمل ان بسیار مشکل است
نیز تیمم کند سیم خوف تشنگی حیوان محترمی یا کسیکه خاطرش
با او داشته باشد چهارم گرفتن از کسیکه منت بسیاری بر
سر او گذارد پنجم موقوف بودن تحصیل اب بمبلغی که ضرر
بحال و معاش او دارد ششم تنگی وقت از تحصیل و استعمال
ان هفتم نداشتن اب وضو باید تر از شستن نجاست چه
تطهیر ان لازمتر است از وضو سؤال تیمم بچه باید کرد
جواب بخاك و سنك و رمل وگچ و نوره پیش از پختن انها

وخاک مقدم است علی الاحوط والاولی سؤال کیفیت
تیمم چگونه است جواب دو دست را بر زمین بزنند و بان
پیشانی و دو جبین و ابروها را مسح کند که جزئی بی مسح نماند
از بالا بپائین و پشت دستها را از بند دست تا سر انگشتان
مسح نماید بعد از ان مرتبه دیگر دو دست را بر زمین بزنند و
دستها را بتنهائی مسح کند چه در وضو و چه در غسل بنا بر
احوط و اقوی کفایت یکضربت است و واجبست در ان موالات
وخود مباشر بودن مگر در حال ضرورت سؤال احکام
تیمم چیست جواب تیمم پیش از دخول وقت صحیح نیست
و بعد از ان اگر یقین نداشته باشد که تا اخر وقت اب بدست
او میاید میتواند تیمم کند و هر جا که وضو و غسل بود تیمم بدل
ان میشود اگرچه بامید ثواب باشد سؤال چه چیز تیمم
را باطل میکند جواب هرچه وضو و غسل را باطل میکند

علاوه یافتن اب که تمکن از استعمال ان داشته باشد و اگر در
بین نماز اب پیدا شد اگر پیش از رکوع رکعت اولست تیمم
باطل نماز هم باطل است و اگر بعد از ان پیدا شد تیمم و نماز
صحیح است و اگر در وسعت وقت اعاده نماید خوبست

در بیان نجاسات

سؤال چند چیز نجس است جواب نه چیز نجس است اول
و دوم بول و غائط از حیوان حرام گوشت که خون جهنده داشته
باشد اگرچه موطوء و نجاست‌خوار باشد پس بول و فضله حیوان
حلال گوشت یا حیوانیکه خون جهنده ندارد مثل حیوانهای
دریائی پاک است سیم منی از هر حیوانیکه خون جهنده دارد
اگرچه حلال گوشت باشد چهارم مرده حیوانیکه خون جهنده
دارد و چیزهائیکه از مرده یا زنده جدا میشود و حیوة در انها
حلول نموده و اما مثل ناخن و شاخ و استخوان و مو و پشم و کرک

ومثل انها که جیوه در انها حلول نموده پاک است و مثل پوستهای
کوچک از لب و دست و پا و دمل و سوزه که در حال جدا شدن
درد نیاید ندارد پاک است و نافه مشک و شیردان بره پاک است
پنجم کافر وسگ وخوک غیر دریائی واجزاء انها اگرچه جیوه
در انها حلول نکرده نجس است ششم خون از هر حیوانیکه
خون جهنده دارد پس خون ماهی و شپش پاک است و خون
در تخم مرغ را اجتناب کنند مگر پرده دوران باشد که انرا
بدور اندازند پاک است چنانچه خونی که باقی میماند بعد از ذبح
در شکم حیوان حلال گوشت پاک است هفتم هر چیزیکه اصلاً
روان و مست کننده است مثل شراب و اما اب انگور که بجوش
بیاید و غل بزند پس اگر بخودی خود بجوش بیاید نجس میشود
در این صورت رفتن دو قسمت هم فائده ندارد بلکه طاهر نمیشود
مگر انکه سرکه شود واگر باتش بجوشد اقوی طهارت است

اگرچه حرام است و بعد از ذهاب ثلثین حلال میشود هشتم فقاع
وان شرابیستکه از جو میگیرند نهم عرق جنب از حرام بنابر
اگرچه اقوی طهارت است لکن نماز با ان جایز نیست و همچنین
احوط اجتناب از عرق شتر نجاستخوار است سؤال
احکام نجاسات چند چیز است بیان فرمائید جواب پنج
چیز است اول بدن ولباس در نماز وطواف چه واجب وچه
مستحب باید نجس نباشد و همچنین لباس مشتبه بنجس نباشد مثل
دو جامه که میدانند یکی از انها نجس است بلی اگر بعد از نماز معلوم
شود که لباس او نجس بوده و پیش نمیدانسته قضا لازم
نیست دوم باید چیزیکه میخورند ومیاشامند پاک باشد سیم
محل سجود باید پاک باشد چهارم مساجد وحرمها ورواقها و
ضریحها و قرانها و هر چیز در شرع تعظیم انها لازم است باید
پاک باشد نجس نشود پنجم خرید وفروش عین نجسها ومتنجسها

قابل پاک شدن نیست جایز نیست مگر روغن نجس بجهت
سوزانیدن وسگهای معلم بجهت شکار کردن سؤال
عفو از نجاست در چند مقام است جواب پنج مقام اول
خون زخم ودمل ومثل ان چه در بدن وچه در لباس که فی الجمله
شستن ان مشقت وزحمت دارد وخون بواسیر اگر دانه‌ها
ان بیرون نیاید معفو است دوم خون در بدن یا لباس بقدر
پهنای یک اشرفی تقریبا اگرچه متفرق باشد ولکن از خون حیض
ونفاس واستحاضه ونجس العین عفو نیست سیم لباسیکه
ساتر عورت نمیشود مثل جوراب وبند زیر جامه که نجس شده
باشد چهارم حمل چیزیکه نجس شده باشد واما از حمل نجس
اجتناب نماید علی الاحوط مگر انکه فراموش کرده باشد پنجم
ضعیفه که تربیت طفل کوچک میکند ویکجامه بیشتر ندارد
اگر انجامه نجس باشد همین که در شب وروز یکمرتبه بشوید از

کافی است واگر بعد از ان نجس شود از بول ان طفل معفو است

در بیان مطهرات

سؤال مطهرات چند چیز است جواب یازده چیز
است اول اب است وان پاک میکند میت را بغسل دادن
وهر نجس شده را حتی خودشرا اگر نجس شده باشد که بمجرد اتصال
بکر یا جاری وامثال ان پاک میشود بنابر اقوی واب مضاف
ومثل ان قابل پاک شدن نیست مگر انکه مستهلک شود در
ابیکه بملاقات نجاست نجس نمیشود وچیزهائیکه فشار بردار است
قدری فشار بدهند ودر اب قلیل دو دفعه بشویند ومتنجس
بولرا دیگر نیز احتیاطا دو دفعه بشویند ودر غیر بول یکدفعه
کافیست وظرفی که سگ از ان خورده یا لیسیده ومثل ان یک
دفعه خاک مالی کنند ودو دفعه بشویند ودر اب خوردن
خوک ومردن موش صحرائی وریختن مست کننده هفت دفعه

لازم است یا اگر خمره یا نان نجس را خشک کنند و در آب جاری و
کر بگذارند که آب در آن نفوذ کند پاک میشود سئوال
کیفیت تطهیر متنجس از آب قلیل و کر و جاری و باران بیان
فرمائید جواب اگر متنجس بول است در آب قلیل دو مرتبه
شستن واجب است و غساله اول نجس است مطلقا و ثانیه
طاهر است اگرچه احوط اجتناب است و در آب کر دو مرتبه
شستن احوط است و در جاری یکمرتبه کفایت میکند و در
متنجس بغائط و منی یا خون با آب قلیل بعد از زائل شدن عین
نجاست یکمرتبه شستن کافی است و بهتر شستن دو مرتبه
است و اما در کر و جاری بعد از زوال عین نجاست پاک است
و آب باران زمان باریدن حکم آب جاری دارد بشرط آنکه جریان
داشته باشد سئوال هرگاه بدن نجس باشد داخل در
آب کر مثل خزینه یا جاری یا چشمه شود بعد از ازاله نجاست

بیرون آمدن از آب میخواهد یا نه جواب بعد از ازاله نجاست از
بدن کافی است و محتاج به بیرون آمدن از آب نیست و اولی
بیرون آمدن است سئوال تطهیر اشیاء متنجسه مثل
لباس و غیره در آب قلیل یا کر یا جاری فشار میخواهد یا نه جواب
در تطهیر با آب قلیل فشار لازم است و در جاری و کثیر فشار
لازم نیست اگرچه احوط است سئوال لباسیکه بنیل
یا بقم یا بغیر آنها رنگ شده نجس شود ما دامیکه رنگ پس میدهد
آیا پاک میشود یا نه جواب اگر آب رنگین بیرون بیاید که از
خود نیل در آن نباشد و آب را مضاف نکند پاک میشود و
اگر از خود نیل در آن باشد پاک نمیشود و همچنین اگر آب را
از اطلاق بیرون نماید و مضاف کند سئوال پسر
شیرخواره که هنوز غذا خوار نشده و شیر خنزیر یا کافر نخورده
بجائی بول کند مثل فرش یا لباس یا زمین یا غیر آنها آیا بمجرد

ریختن اب باران بنحویکه غلبه کند پاک میشود یا نه جواب
بلی کافی است و احوط تعدد است سؤال چیزهائیکه قابل
فشار نیست مثل چوب و برنج و گندم و نحو اینها اگر نجس شوند
یعنی اب نجس بجوف انها برود پاک میشود یا نه جواب ظاهر
انها پاک میشود و تطهیر باطن انها مشکل است مگر با علم
بنفوذ اب با انها بنحو خیسیدن در اب سؤال حب یا
کوزه و نحو اینها اگر اب نجس بجوف انها برود بچه نحو پاک میشود
جواب اینها را نیز بخشکانند بعد از ان در اب کر یا جاری
بگذارند تا اب در انها نفوذ کند پاک میشود سؤال فرش
یا لحاف یا حصیر یکه ریسمان دارد اگر نجس شود داخل در اب کر
یا جاری کنند بعد از ازاله نجاست از انها ایا در تطهیر محتاج
است بلکه یا افشار یا نه جواب بعد از ازاله عین نجاست
محتاج بفشار نیست سؤال ظرف اگر نجس شود چطور پاک

میشود جواب داخل ظرف را سه دفعه اب قلیل در ان بگر
بگردانند و بریزند پاک میشود و سه مرتبه شستن با اب کر و
جاری احوط است سؤال تطهیر با اب کر یا جاری اگر
تعدد بخواهد در زمین خزینه و حوض و نهر و امثال اینها اگر
نجس باشد یا نجس شود چه باید نمود و چیزیکه فشرده میشود فشار
ان لازم است یا نه و چقدر باید فشرد جواب تعدد در تطهیر
با اب جاری تعدد لازم نیست و در کر در خصوص متنجس ببول
احتیاط است و در غیر ان تعدد لازم نیست و در دیوار و
زمین انها احتیاط لازم نیست اگرچه احتیاط در ان علی الاطلاق
نیز مشقت و زحمتی ندارد و اقوی در کر و جاری عدم لزوم فشار
است اصلا سؤال غساله در اب کر و جاری چه حکم دارد
جواب غساله در هر دو پاک است خصوص جاری کر یکدفعه
در ان کافی است سؤال در این اوقات بواسطه چیزهای

نجس که اجمالاً بعضی از انها و تفصیلاً غالب مردم بالخصوص الا
مذهب و اجتهاد و تقلید از بی مبالاتی باکدیگر معاشرت دارند
و اجتناب ازان مشکل است تکلیف چه است جواب چنین
است که ذکر شد لکن باکسی که در وقت معاشرت نمیدانند
در انحال نجس بودن او را معاشرت و ملاقاة او ضرر ندارد و
شرعاً محکوم بطهارت است و همچنین است حال زمینها از حمام و
امثال ان که وقتی پاک و وقتی نجس اگر بملاقات نجاسات انرا
شرعاً مانند پاک است و اجتناب ازان لازم نیست و این اشکال لازم
و امثال ان غالباً از ندانستن مسئله میشود و شاید در بعض
از متدینین و ضعفاء منجر بوسواس گردد سئوال گرفتن
چیزی از کفار چه صورت دارد و حکم مسلم و سوق مسلمین چیست
جواب انچه حیوانی نباشد یا حاجت بتذکیه شرعاً نداشته
باشد مثل اقمشه و حبوبات و جواهرات و امثال انها ما دامیکه

علم بحرمت انها و نجاست انها نیست اگرچه باحتمال ساختن انها
بحرج بوده باشد که ملاقات کافران معلوم نباشد گرفتن
و خریدن از کفار عیبی ندارد و بظاهر شرع انور حلال و پاکست
و امّا انچه حیوانی و محتاج بتذکیه باشد مثل پوست و پیه
و گوشت و نحو انها که از کافر بگیرد محکوم بحرمت و نجاست است
سئوال اگر دو ظرف اب یکی از انها نجس باشد و مشتبه شود
طاهر بنجس و یکی از انها بریزد یا مفقود یا پاک شود ایا اب ظرف
دیگر چه حکم دارد ایا محکوم بطهارت است و میتوان ازان وضو
گرفت یا نه جواب ظرف باقی مانده لازم الاجتناب است نبا
و وضو بان نگیرد سئوال جلودیکه از بلاد کفر میاورند
و تذکیه شرعیه ان معلوم نیست یا علم بتذکیه انها لازم است
یا عدم علم بنجاست کافیست جواب اگر از دست مسلم
یا سوق مسلم ولو از مجهول الحال بگیرد عدم علم بنجاست کافی است

اگرچه بداند که از دست کافر بیرون امده واحتمال بدهد که مسلمی که از دست کافر گرفته فحص از حال ان نموده واگر این احتمال را ندهد مشکل است دوم از مطهرات زمین است وان پاك میکند کف پا و ته کفش و مثل ان براه رفتن بران یا مالیدن بان واگر عین نجاست دارد ازاله کند و باید زمین پاك و فی الجمله خشك باشد سیم افتاب است وان پاك میکند هر چیزی منصوب را مثل دیوارها و چوبها و درها و میخهای عمارت و درختها و گیاهها و سبزیها بلکه ظرفها و چیزها که در زمین نصب کرده اند که اینها رطوبت دار باشد و بافتاب خشك شد بعد از انکه عین نجاست که داشته زائل شده باشد چهارم چیزی مستحیل بچیز دیگر شدن مثل عذره کرم و سگ نمك و شراب سرکه گردد پنجم انتقال مثل خون انسان و خون پشه و کیك شدن و مثل ان ششم اسلام وان پاك میکند هر کافری را

هفتم تبعیت مثل طفل که یکی از پدر یا مادر ان مسلم باشند و طفلی که مسلمی اسیر کرده یا دزدیده باشد مثل شیره پز و الات و ادوات بعد از پاك شدن اب انگور که برفتن دو قسمت ان پاك میشود بنا بر نجاست ان لکن طهارت رختهای و تبعیت محل اشکال است هشتم رفتن عین نجاست از حیوانات و باطن انسان نهم غائب شدن کسیکه بداند خودش یا لباس و فرش و ظرفش و مثل اینها نجس است و غائب شود و احتمال برود که غیاباً تطهیر کرده باشد و کاری هم بکنند که مسلمین با چیز طاهر میکنند بعد که حاضر شود پاك است دهم استبراء حیوان نجاستخوار یازدهم دو ثلث رفتن از اب انگور بنا بر نجاست ان

در بیان ظرفهای طلا و نقره

سؤال بچه ظرفی از طلا و نقره حرام است خوردن و اشامیدن در ان و نگاهداشتن ان جواب مثل قلیان و

فنجان و قوری و قاشق و قهوه جوش و دیگ و دیگیر و چلو
صافی و کفگیر و دوری و بشقاب و پیاله و افتابه و امثال انها
حرام است و اما میل و سر شطب و جلد خنجر و چاقو و شمشیر و
قوطیهای کوچک و بزرگ و تریاک و انفیه و سر مهر و دوات و قلمدان
پس حرمت انها معلوم نیست بلکه عدم ان خالی از قوت نیست
و حرام است از برای مردان زینت نمودن طلا مثل زنجیر طلا
ساعت را بگردن خود بیاویزد **سؤال** استعمال باد گیر نقره
جایز است یا نه **جواب** جواز ان بعید نیست

کتاب الصلوة در اوقات نمازها

سؤال وقت نمازهای پنجگانه شب و روز کدام است
جواب اول وقت عصر و ظهر رسیدن افتاب بنصف
النهار که نصف روز از طلوع افتاب تا غروب انست اگر
چوبی مثلا یکی را باستقامت در زمین هموار نصب کنند که

که افتاب بران عبور نماید هر وقت که سایه ان باخر رسید
و سایه پیدا کند یا سایه ان رو بزیادتی نماید اول ظهر است
واگر رو بنقطه جنوب بایستد و افتاب بطرف ابروی راست
نماید نیز اول ظهر است و وقت مغرب و عشا غروب افتاب است
واگر قرص افتاب پنهان شد و نماز ظهر و عصر یا یکی از انها
را نخوانده البته پیش از رفتن سرخی مشرق از بالای سر بخواند
و نیت ادا و قضا نکند و وقت صبح از طلوع فجر صادق است
که طرف مشرق متصل بافق مثل نهری شود که اب سفید داشته
باشد که روی ان نهر را سیاهی گرفته باشد و اخر وقت ظهر
و عصر غروب افتاب است و اخر وقت مغرب و عشاء نصف شب
است و لی با تاخیر البته بخواند تا پیش از فجر و نیت ادا و قضا
ننماید و نافلهای شب و روز سی و چهار رکعت است هشت
رکعت پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و

چهار رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت وتیره نشسته بعد از
نماز عشاء و یازده رکعت نماز شب تا صبح که دو رکعت بعد از
هشت رکعت شفع است و یک رکعت وتر و دو رکعت نافله
صبح و در این نافلهها سوره لازم نیست و نشسته هم میتوان
خواند سؤال دخول وقت باید معلوم شود یا مظنه
کفایت میکند جواب باید علم بدخول وقت داشته باشد
ولکن اگر ابر باشد و علم نتواند پیدا کند تأخیر اندازد تا معلوم
شود احوط است اگرچه اقوی جواز اکتفاء بظن است در هوای
ابر سؤال شخصی در وقت مختص بنماز عصر عمداً قضای نماز
صبح کند بعد شروع کند بنماز عصر که دو رکعت نماز عصر در
وقت و دو رکعت آن در خارج وقت واقع شود چه صورت
دارد و همچنین آیا فرقی هست ما بین اینکه قضای صبح همان روز باشد
و دیگر قضا بر ذمه نداشته باشد یا آنکه سابق باشد یا تعدد شد

جواب معصیت نموده ولی نماز قضای صبح صحیح است چه از همان
روز باشد یا از سابق

در بیان قبله و احکام آن

سؤال قبله کدام است و استقبال چگونه میباشد ج
قبله کعبه است که عمارت بزرگی است در میان مسجد الحرام در مکه
معظمه که باید نزدیک و در حرم و بیرون آن نماز بخوانند ولی کسی که
دور است کفایت میکند که بگویند رو بکعبه نماز میخوانند
سؤال آنهائیکه از مکه دورند چگونه تشخیص قبله نمایند
جواب از محرابیکه یکی از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
در او نماز خوانده اند و شهرت در میان مردم و آنچه در شرع وارد
است مثل ستاره جدی در عراق عرب در پشت شانه راست
باشد و از بعض علامات دیگر و در بعض ولایات میتوان علم
پیدا نمود و اگر پیدا نشد بستاره جدی و محرابهای مسجدها و
قبور مسلمین عمل نمایند و بعد از آن مظنه از هر جا پیدا شود کافیست

سؤال اگر در جائیکه هیچ آثار و علامات قبله از هیچ طرف نباشد
چه کند جواب چهار نماز از چهار طرف مساوی بخواند
سؤال استقبال قبله در هر نماز و در هر حال است یا
تفصیل دارد جواب در هر نماز واجب ما دامیکه ممکن است
واجبست نه در نماز مستحبی در حال سواری و راه رفتن مثلاً
استقبال لازم نیست و کسیکه به پشت خوابیده نماز بخواند
باید کف پای او بقبله باشد و کسیکه بدست راست یا چپ
خوابیده نماز میخواند پیش روی او بقبله باشد سؤال
متحیر در قبله در ضیق وقت هرگاه بقدر دوازده رکعت
بیشتر وقت ندارد نماز ظهر او قضا است یا نه و بر فرض
عدم قضا چه قسم باید نماز بخواند جواب ظاهراً مخیر
باشد که چهار رکعت اولاً برای ظهر و هشت رکعت در نماز عصر یا دو
رکعت نماز ظهر اولاً و یک رکعت نماز عصر بعد از آن دوم اولی است

در بیان ستر و ساتر است

سؤال مرد چه مقدار از بدن را در نماز واجبست بپوشاند
و زن چقدر جواب مرد بشره عورت را که آلت و دو بیضه
و دبر است و زن تمام بدن را غیر از صورت و دو دست تا بند
دست و دو پا تا پیچ استخوان ساق و موهای خود را واجبست
بپوشاند اگرچه نگاه کننده نباشد سؤال در ساتر چند
شرط است جواب شش شرط است اول طهارت مگر
مثل جوراب و عرقچین دوم مباح بودن و غصبی نبودن سیم
اگر پوست یا پشم یا کرک است از حیوان حلال گوشت باشد و
اگر شک کند که از حلال گوشت یا از حرام گوشت ضرر ندارد
چهارم از مرده نباشد و مذکی شده باشد یعنی آنرا بطریق
شرعی کشته باشند لکن آنچه از بازار مسلمین یا از دست مسلم
گرفته میشود حلال و پاک است و نماز در آن میتوان خواند و همچنین

اگر نداند مذکی است یا از مرده اگرچه علم داشته باشی که از کافر
بوده یا آنکه احتمال بدهی که مسلم از آن فحص نموده باشد و الا
کافر گرفتن جایز نیست و حرام و نجس است اگرچه در بازار مسلمین
باشد و لباس از پشم و مو و کرک ضرری ندارد پنجم لباس مردها
از طلا باف بلکه زیور و انگشتر و مثل آنها طلا نباشد که در
غیر نماز هم بر آنها جایز نیست سؤال ساعت طلا و زنجیر
طلا شرعاً چه حکم دارد جواب ساعت طلا و نقره که در
این زمان ها متعارف است حرام نیست و زنجیر طلا نیز حرام
نیست لکن اگر بگردن اندازد یا بسینه بیاویزد که از اسباب
تجمل است بر مردان حرام است سؤال دندان مصنوعی
در دهان نمازگزار باشد چه صورت دارد جواب ضرر
ندارد سؤال صدف همراه نمازگزار باشد نمازش صحیح
است یا نه جواب صحیح است و احوط ترک است ششم لباس

مردها ابریشم یا که خالص نباشد بلکه در غیر نماز هم جایز نیست
و اگر دو یک آن مثلاً پشم یا ریسمان باشد ضرر ندارد سؤال
لباس سیاه چه حکم دارد جواب مکروه است و معروف است
که لباس عباسیین بوده اما در چکمه و امثال آن و عمامه و عبا
و در عزای سید الشهداء روحی و ارواح العالمین له الفداء
باکی نیست

هفتم در مکان نمازگزار است

سؤال کدام مکان است که نماز در آن جایز نیست ج
محلی یا فضائیکه از دیگری است و علم برضای آنها ندارد نماز
در آن باطل است چه نماز واجب چه مستحب و لکن در جاهائی
اذن شاهد حال هست مثل مهمانخانه ها و عزاخانه ها و صحراها
مادام علم برضا نبودن ندارد جایز است سؤال کدام
جا در آن نماز بهتر است جواب مسجد الحرام نماز در آن معادل
هزار هزار نماز است و شاید از مفاخرت کربلای معلی یا مکه

معظمه ظاهر شود که نماز در حرم حضرت سید الشهداء ع
بیش از هزار هزار نماز باشد و در نزد حضرت امیر مؤمنان
علیه السلام بدویست هزار نماز و سایر مشاهد و مساجد در
کتب مفصله مرقوم است ولکن بهتر در حق زنها در خانه‌ها
و اطاقها بلکه صندوقخانه‌های ایشانست

در بیان اذان واقامه است

سؤال اذان واقامه واجب است یا مستحب جواب مستحب
است ولکن اقامه را اگر چه یکی یکی باشد ترک نمایند سؤال
شهادة بامیر المؤمنین علیه السلام و ولایت آنحضرت در اذان و
اقامه چگونه است جواب بقصد قربت بگوید نه بقصد
جزئیت **در واجبات و مستحبات نماز** اشکال است
سؤال واجبات نماز کدام است جواب واجبات
نماز نیت و تکبیرة الاحرام و قیام و قرائت و رکوع و سجود

و ذکر و تشهد و سلام و ترتیب و موالاتست اول نیت و آن
قصد خواندن نماز است از برای حضرت حق جل و علا مثلاً نماز
ظهر میگذارم قربة الی الله تعالی دیگر نیت واجب و مستحب و
اداء و قضا و قصر و تمام لازم نیست مگر اینکه تعیین آن
نماز موقوف بر اینها باشد و لازم نیست گفتن آن از زبان و نه
خطور آن بلکه همین قدر که در خیال و ذهن او است کافی
است و نیت نماز از احتیاط را بزبان بگوید و ریاء که از برای
غیر خدا بجا آورد یا غیر خدا را شریک نماید باطل میکند عبادت
را سؤال محل عدول کجاست جواب هر نماز یکی
که پیش شروع شد مثل عصر را که سهواً پیش از ظهر هر جا که
در بین نماز عصر فهمید عدول بظهر مینماید و ظهر حساب
میشود بعد نماز عصر را بخواند و اگر محل عدول گذشته باشد
مثل رکوع رکعت چهارم عشاء عدول بمغرب نمیکند و همچنین

اگر در بین نماز نداند نیت نماز پیشین را کرده یا بعدی را عدول بنماز
مادامی که محل عدول باقی است درصورتیکه نماز پیشین را نکرده
باشد یا شک داشته باشد که نماز پیشین را کرده است دوم
تکبیرة الأحرام وان الله اکبر است که بعد از نیت نماز بهمین
لفظ عربی بدون زیاد و کم باید گفت سیم قیام وان واجب
است در حال تکبیرة الأحرام و قرائت و باید از قیام برکوع
برود و باید تکیه بچیزی نکند و راست ایستاده باشد و خود
را تکان ندهد سؤال اگر عاجز از ایستادن باشد چکند
جواب اگر از هر قسمی از ایستادن عاجز شد اگرچه تکیه دادن
بدیوار باشد نشسته نماز بخواند و اگر از هر گونه نشستن عاجز
باشد بدست راست رو بقبله بخوابد اگر عاجز شد بدست
چپ رو بقبله و اگر از اینهم عاجز شد بپشت بخوابد و کف
پاها را رو بقبله کند چهارم قرائت رکعت اول و دوم وان

خواندن سورهٔ حمد است با یک سورهٔ دیگر بعد از تکبیرة الأحرام و
مردان و زنان نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و در مغرب و
عشاء و صبح مردان بلند بخوانند و زنان مختارند ولکن اگر مرد
اجنبی صدای انها را بشنود بلند بخوانند سؤال هرگاه
در وقت بسمله گفتن در نماز تعیین سوره نکند و در رساله
مذکور است که باطل است و در حاشیه مرقوم فرموده اند
که معلوم نیست عملاً چه باید کرد جواب ظاهراً معلوم نیست
ولی ارجح عدم بطلان است ولی رجوع بغیر طریق سلامت
است سؤال بلند خواندن چگونه است و آهسته
کدام است جواب بلند جوهر صوت داشتن است و
آهسته جوهر صوت نداشتن و آهسته را چنین بخواند که
کسی که از او دور است نشنود و کسی که نزدیک باشد بشنود
ضرر ندارد سؤال در رکعت سیم و چهارم چه باید قرائت

نمود جواب مختار است حمد تنهایی سوره یا سه مرتبه تسبیحات
اربعه و یک استغفر الله بگوید اگرچه اقوی کفایت یک مرتبه تسبیح
و استحباب استغفار است سؤال چقدر حروف را از
مخارج باید ادا کرد تا قرائت و مثل آن صحیح باشد جواب همینقدر
که حرفها از هم جدا شوند و تفاوت داشته باشند که ضاد از
ظاء الف دار ممتاز شود و ذال را از زاء و صاد و ثاء را سین نگویند
مثلاً کفایت میکند پنجم رکوع و آن خم شدن است از قیام
بقدریکه دست بزانو برسد و یکدفعه سبحان ربی العظیم و
بحمده بگوید و در بین حرکت نکند سؤال کسی که از رکوع
عاجز است چکند جواب اگر ممکن باشد بتکیه دادن رکوع
کند و اگر ممکن نباشد هر قدر که ممکن است خم شود ششم
سجود و آن پیشانی و دو کف دستها و دو زانو و دو انگشت بزرگ
پاها را بر زمین گذاردن است در هر رکعتی دو سجده و جلسه

سؤال واجبات سجده چند است جواب ده تا است
اول پیشانی بر زمین گذاردن است مثل سنگ و خاک و ریگ
و آنچه از زمین بروید مثل درخت و حشیش و گیاهها که خوردنی
و پوشیدنی نباشد بلکه بر کاغذ نیز سجده جایز است دوم
ذکر سبحان ربی الأعلی و بحمده یا سه مرتبه سبحان الله گفتن
در حال استقرار سیم سر برداشتن از سجده چهارم نشستن
میان دو سجده پنجم مساوی بودن محل پیشانی با محل ایستادن
و چهار انگشت تفاوت باشد بکلفتی خشتی ضرر ندارد س
هرگاه شخص استقرار در قیام را بعمل آورد و در حین خم شدن
بجهت رکوع که بدن در حرکت است پاها را حرکت میدهد
ضرر است بنمازش یا نه جواب ضرر ندارد سؤال
کسی که عاجز از سجود باشد چکند جواب هر قدر که ممکن
است خم شود و آنچه را که بر آن سجده میکند بر پیشانی بگذارد

وذکر در حال استقرار بگوید وشش جای دیگر را بر زمین بگذارد
هفتم تشهد وان نشستن وگفتن اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وال محمد بعد از دو سجده است یکمرتبه در نماز
دو رکعتی و دو مرتبه در نمازهای دیگر است هشتم سلام کر
السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین والسلام علیکم و
رحمة الله وبرکاته است ومستحب است گفتن السلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته پیش از آنها نهم ترتیب یعنی
واجبات نماز بترتیبی که ذکر شد بجا بیاورد و پس و پیش ننماید
دهم موالات یعنی فاصله زیاد میان آنچه ذکر شد نشود و
تأخیر نیندازد که از صورت قرائت یا نمازگذار بیرون رود
سئوال در نماز نشسته سمع الله لمن حمده گفتن چه صورت دارد
جواب در نماز مستحبی شخص سوره را ترک کند ولی قنوت را

بخواند

بخواند چه صورت دارد جواب ضرر ندارد

در بیان مبطلات نماز

اول حدث صغیر مثل بول کردن وخوابیدن وحدث اکبر
مثل جنب شدن که در وضو وغسل گذشت دوم دست
بر روی دست گذاشتن سیم پشت بقبله کردن اگرچه
بمغرب ومشرق باشد چهارم کلام اگرچه بدو حرف باشد
وانچه از سرفه کردن واخلاط از حلق بیرون آوردن وپف
نمودن است بطوریکه متعارفست عرفی کلام نیست وضرر
ندارد ولکن سلام کردن در بین نماز کلام است ونماز باطل
میشود ولکن اگر کسی بنمازگذار سلام کرد واجب است جواب
بگوید بهمانطور که او سلام گفته ونمازش صحیح است س
هرگاه کسی بنمازگذار سلام کرد بسلام غلط نمازگذار میتواند
یک آیه که سلام دران باشد بقصد قران بخواند وجواب

بسلام

سلام او را بگوید جواب بسیار خوبست **سؤال** هرگاه
در قنوت نماز وتر که چهل مؤمن را دعا میکند بفارسی اذن
میفرمائید دعا کند مثلاً بگوید خدایا حاج میرزا حسن را
بیامرز یا نه **جواب** ضرر ندارد پنجم قهقهه کر خنده صدا
دار است ششم گریه کردن از برای امور دنیا و اگر از خوف خدا
جل و علا باشد بسیار خوبست هفتم کار بکر از صورت نماز گذ
بیرون برد هشتم خوردن و آشامیدن نهم آمین گفتن بعد
از قرائت سوره حمد دهم شک در عدد رکعتهای نماز چنانچه
خواهد آمد یازدهم چیزی در نماز زیاد یا کم کردن دوازدهم
در نماز واجب علاوه بر آنکه باید بخواند سوره دیگر خواندن
بنابر احوط

در بیان نماز آیات

سؤال نماز آیات از برای چند چیز واجب است **جواب**
از برای زلزله و آفتاب و ماه گرفتن اگر چه سبب ترسیدن

غالب مردم نشود و از برای بادهای سرخ و سیاه و تاریکی و صاعقه
و آنکه در آسمان پیدا شود و جائی از زمین شکافتن یا فرو
رفتن اگر چه اینها سبب ترسیدن غالب مردم شود پس
وقت نماز آیات چه وقت است **جواب** در آفتاب و ماه
گرفتن از اول گرفتن تا باز شدن و در باقی دیگر هر قدر طول
بکشد و اگر فرصت نشود بقدر نماز بعد از آن نماز را بخواند
و نیت اداء و قضاء نکند **سؤال** نماز آیات چگونه است
جواب بعد از نیت تکبیرة الاحرام میگوید و حمد و سوره میخواند
و برکوع میرود و همچنین تا پنج رکوع بی سجده و بعد از رکوع
پنجم بسجود میرود و دو سجده بجا میآورد و برمیخیزد و بطور اول
پنج رکوع و پنج حمد و سوره میخواند و بعد از رکوع دهم بسجده
میرود و نماز را اتمام میکند و اگر پیش از رکوع اول حمد بخواند
و بعد از حمد بسم الله الرحمن الرحیم بقصد سوره قل هو الله احد

مثلاً بگوید و برود برکوع بعد از سر برداشتن از رکوع قل هو
الله احد بگوید و برکوع برود و بعد سر بردارد الله الصمد
بگوید و بعد از این رکوع لم یلد و لم یولد بگوید و برکوع برود
و بعد از سر برداشتن و لم یکن له کفواً احد بگوید و بعد برکوع
پنجم برود و بعد از سر برداشتن بسجده برود و بعد از دو سجده
برخیزد و یکرکعت دیگر را بمثل رکعت اول بجا می‌آورد
سؤال هرگاه شخصی را خبر دهند که روز گذشته زلزله
شده و این شخص تصدیق کند که راستست لکن در وقت
زلزله مطلع نشده بود آیا نماز آیات بر او واجبست یا نه
جواب البته بخواند سؤال زید یقین دارد که فردا
خسوف واقع میشود و در وقت خسوف خواب رفت و مطلع
نشد و بعد معلوم شد که خسوف واقع شده و تمام نگرفته آیا قضا
نماز آیات لازم است یا نه ج لزوم معلوم نیست بلی احوط است

در بیان خللی که در نماز واقع میشود

و احکام آن بدانکه کسی که شک کند که نماز خوانده یا نخوانده اگر
وقت آن نماز باقی باشد باید بخواند و اگر بعد از وقت باشد
قضا واجب نیست اگرچه مظنه داشته باشد که خوانده است
در اول و نخوانده است در دوم سؤال چند مقام است
که شک اعتبار ندارد جواب سه مقام اول شک بعد از
نماز اعتبار ندارد چه در رکعات چه در غیر آن مگر آنکه هر دو
طرف شکش باطل باشد مثل سه و پنج یا صد و مثل آن دوم
کسی که شک بسیار میکند چه در رکعات و چه در افعال و
چه در اقوال اعتبار ندارد بنا را بر آنچه صرفه است میگذارد
مثلاً شک سه و چهار بنا را بر چهار و شک چهار و پنج بنا را
بر چهار گذارد سیم کسی که کلمه را مثل الحمد گفت و بعد از
دخول در کلمه بعد شک کرد که درست بجاء حطی گفت یا بهاء هوز

اعتبار ندارد و اگر داخل کلمهٔ بعد نشده تکرار کند که درست
گفته شود و همچنین در کلمهٔ که بوده شک کرد که کلمهٔ پیش را
گفته یا نگفته اعتبار ندارد و چنین است شک در تکبیرة
الاحرام در حال خواندن حمد یا شک در حمد در حال خواندن
سوره و امثال ان و همچنین اگر در سجود شک کند که رکوع کرد
یا نکرد یا در رکوع شک کرد که قرائت خواند یا نه و هرچه
مانند انها باشد اعتبار ندارد و اگر شک کرد که سلام
نماز را گفت یا نه اگر داخل چیز دیگری شده مثل تعقیب یا
قران یا خوابیدن یا راه رفتن اعتبار ندارد و الا باید سلام
را بگوید و مقام دیگر در رسالهٔ مفصله است **سؤال**
چند شک در رکعات باطل و چند شک صحیح است **ج**
شک در نماز دو رکعتی و سه رکعتی مطلقاً باطل است و در
چهار رکعتی پیش از اکمال دو سجدهٔ رکعت دوم و کسی که نداند

اصلاً چند رکعت خوانده هم باطل است اما شک صحیح در نه مقام
است اوّل شک میان دو و سه بعد از اکمال دو سجده بنا را بر سه
میگذارد و یک رکعت دیگر بجا میاورد و بعد از سلام یک رکعت
ایستاده یا دو رکعت نشسته میگذارد دوّم شک میان
سه و چهار در هرجا که باشد بنا را بر چهار میگذارد و بعد
از سلام یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا میاورد سیّم
شک میان دو و چهار بعد از اکمال سجدتین بنا را بر چهار می
گذارد و بعد از سلام دو رکعت ایستاده بجا میاورد چهارم
شک میان دو و سه و چهار بعد از اکمال دو سجده بنا را بر چهار
میگذارد و بعد از سلام دو رکعت ایستاده و بعد از ان دو
رکعت نشسته بجا میاورد پنجم شک میان چهار و پنج بعد
از سجدهٔ اخر نماز بنا را بر چهار میگذارد و تشهد و سلام میگوید
با دو سجدهٔ سهو ششم شک میان چهار و پنج در حال ایستادن

بنشیند شکش بر میگردد بشك سه و چهار بعد از سلام یك
رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا میاورد با دو سجدهٔ
سهو هفتم شك میان سه و پنج در حال ایستادن بنشیند
شکش میان دو و چهار میشود بنا را بر چهار میگذارد بعد
از تشهد و سلام دو رکعت ایستاده بجا میاورد و شکهای
دیگر هرچه بالا رود باطل است سؤال حکم شك دو
و پنج و سه و پنج را بعد از سلام بیان فرمائید جواب اگر منافی
بعمل آورده باطل است و الا دو رکعت [illegible] با احتیاط
در صورت اولی و یك رکعت هم چنین در صورت دوم بجا
آورد و احتیاطاً نماز را اعاده نماید سؤال شك
بعد از گفتن السلام علینا و علی عباد الله الصالحین چه حکم دارد
جواب اگر عادت نداشته بگفتن السلام علیکم بعد از آن
اعتنا بشك نکند و اگر معتاد بوده چنانچه متعارف است احوط

عمل نمودن بموجب آن شك است سؤال مظنه در رکعات
و افعال و اقوال لازم است یا آن عمل نماید یا نه جواب لازم است
مثل یقین در خصوص رکعات و اعتبار مظنه در غیر اینها [illegible]
است بعد دو رکعت اخیر از نماز چهار رکعتی محل اشکال
است و شکی که دو طرف مساوی دارد همین که یکطرف احتمالش
قدری بیشتر باشد مظنه میشود و اگر شك داشت و بعد مظنه
شد عمل بمظنه میکند و اگر مظنه داشت بعد شك شد
بموجب شك عمل نماید سؤال اگر نتواند تشخیص دهد
که شك دارد یا مظنه چکند جواب معامله شك با آن
جاری کند

در بیان رکعات احتیاط و سجدهٔ سهو

سؤال رکعات احتیاط که در شکها ذکر شد و باید بخواند
چگونه است جواب بعد از نیت الله اکبر میگوید و حمد را
بی سوره آهسته میخواند و رکوع و سجده و تشهد و سلام میگوید

چه یکرکعت چه دو رکعت چه ایستاده چه نشسته سؤال
سجدهٔ سهو چگونه است جواب بعد از نیت سر به سجده
میگذارد ومیگوید بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد
وال محمد بعد سر را برمیدارد ومی نشیند بار دیگر بسجده
میرود وذکر را میگوید بعد سر را برمیدارد ومی نشیند
ومیگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له و
اشهد ان محمداً عبده ورسوله یا اشهد ان محمداً رسول الله
اللهم صل علی محمد وال محمد همهٔ اینها را بنیت قربت مطلقه
بجا اورد وبعد از ان السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
بگوید سؤال سجدهٔ سهو درچند مقام واجبست ج
در پنج مقام کلام بیجا سلام بیجا تشهد فراموش شده شك
میان چهار وپنج ودر هر زیاد وکمی که در نماز سهواً واقع شود بنا
بر احوط اگرچه اقوی عدم وجوب ان است ؟

در بیان نماز جماعت است

کرد در نمازهای شب وروز تاکید بسیار وثواب بیشمار دارد پس
در نمازهای مستحبی جماعت هست یا مخصوص بواجبست ج
در نمازهای مستحبی جماعت نیست مگر نماز استسقاء که دعا
کردن از برای باران امدن است ونماز عید وکسیکه نماز
فریضه را بتنهائی خوانده باشد مستحبست که دوباره بجماعت
بخواند سؤال جماعت بچند نفر منعقد میشود جواب
بدو نفر یکی امام ویکی مأموم ومنعقد میشود بانیکه بعد از
تکبیرة الاحرام امام نیت جماعت کند وتکبیرة الاحرام بگوید و
برکوع امام برسد پس اگر مأموم برکوع امام رسید نماز جماعت
منعقد میشود واگر درک رکوع را وقتی کرد که امام از رکوع بلند شده
یا شك کرد که برکوع امام رسیده یا نه نماز مأموم صحیح نیست
واگر تکبیرة الاحرام گفت بخیال اینکه برکوع امام میرسد ورکوع

نکرده امام سر از رکوع برداشت باید فرادی بکند یعنی نماز خود
را بخواند جماعت نباشد یا اگر امام رکعتی بگذارد و رکعت
اخرش نیست صبر کند تا در ان رکعت بعدی با امام ملحق شود

سؤال شرط نماز جماعت چند چیز است **جواب** هشت
شرط دارد اول انکه امام عادل باشد یعنی واجبات را
بجا اورد و محرمات را ترك کند که اگر از اشخاصی که با او معاشر
دارند یا همسایه او هستند یا در محله او احوال بپرسی بگویند
ما بغیر از خوبی از او چیزی نمیدانیم و اگر بعد از این چیزی از او
ببینند کرده اند حرام بودن ان را حمل بر صحت و حرام بودن
نماید دوئم انکه امام باید مرد باشد اگر ماموم مرد یا مرد
و زن باهم باشند و اگر زن تنها باشد زن میشود امام جماعت
انها باشد سئیم انکه امام عذر دار نباشد مثل اینکه امام
عاجز است نشسته نماز میخواند و ماموم باید ایستاده نماز بخواند

چهارم مکان نماز امام بلند تر از مکان نماز ماموم نباشد مگر
کمی که عیب ندارد ولکن ماموم بلند تر باشد بی عیب است پنجم
میان امام و ماموم و ماموم ها بعضی با بعض دیگر حائلی مثل
پرده و دیوار نباشد مگر زن و مرد ششم از جای ایستادن
امام تا سر ماموم در حال سجده زیاد تر از یکقدم گشاده نباشد
هفتم امام باید صحیح القرائة باشد اگر غلط بخواند کلمه یا حرفی
یا اعرابی را اگرچه معذور باشد بان امام اقتداء نمیتوان کرد
هشتم امام باید قدری پیش از ماموم باشد که مساوی
نباشد علی الاحوط و در مثل رکوع و سجود ماموم بعد از
امام رکوع و سجود کند و اگر سهواً پیش افتاد باید زود
سر برداشته برگردد و اگر میترسد با امام ملحق شود

در بیان نماز مسافر

سؤال با چند شرط در سفر نماز شکسته و روزه خورده میشود

جواب شش شرط دارد اوّل هشت فرسخ رفتن یا چهار فرسخ
رفتن و چهار فرسخ برگشتن بتفصیلی که در محل خود مذکور
است دوّیم از اوّل قصد هشت فرسخ داشتن و اگر دو
راه باشد یکی هشت فرسخ و دیگری کمتر مختار است اگر از هشت
فرسخی رفت شکسته نماز بخواند و روزه را افطار کند و اگر
از کمتری رفت نماز تمام و روزه برقرار است و کسی که بتبعیت
دیگری سفر میکند مثل عیال و نوکر و غلام قصد انها تابع
قصد کسی است که بتبعیت ان سفر کرده اند سیّم مستمر
بودن قصد پس اگر در بین راه رفتن را موقوف کرد یا مردّد
شد یا قصد ماندن ده روز نمود یا بوطنش عبور کرد باید تمام
نماید مگر انکه تردد حاصل شود بعد از رسیدن بچهار فرسخ
سؤال وطن کجا و وطن اصلی و عارضی کدام است ج
محل ماندن مادام العمر وطن اصلی است مثل جائیکه پدر و

و مادر او بوده اند و انجا بزرگ شده و جا و مسکن همیشه انها
بوده و عارضی انستکه مثلاً در کربلا معلی بجا ور شود بعد
از انکه قصد همیشه ماندن دارد وطن اوست و شش ماه
ماندن لازم نیست بلی ماندن چند روزی اگرچه یکماه باشد
شاید لازم باشد چهارم باید سفر معصیت نباشد مثل
انکه بجهت دزدی یا ظلم کردن یا شراب خوردن برود یا مثل
غلام و کنیز از اقای خود بدون عذر شرعی فرار کنند که انها
باید نماز را تمام بخوانند پنجم سفر شغل و عمل او نباشد مثل
مکاری و کشتیبان و قاصد که در سفر اوّل شکسته میخواند
و در سیّم تمام و در سفر دوّم جمع احوط است و اگر در وطن
ده روز ماند بعد از سفر اوّل شکسته و دوّم و سیّم تمام است
و اگر در سفر غیر شغل خود برود مثل سفر زیارت شکسته بخواند
ششم انکه بمحل حدّ ترخص برسد یعنی از محلی که سفر میکند

دور شود بقدری که دیگر تشخیص عمارات متعارفه انجا را ندهد
یا اذان متعارف انجا را نشنود **سئوال** اقامه در جائی
چگونه باید نمود **جواب** در جائی اگر قصد کرد ده روز
یا زیاده بماند نماز را تمام بخواند و اگر در بین از حد ترخص
بیرون رفت مثل انکه از نجف اشرف بکوفه و از کربلای معلی
بحره و از کاظمین ببغداد اگر عزم ده روز بعد از برگشتن دارد
که بیرون نرود اگر چه در دفعه اخر باشد در صورت تعدد
نمازها او تمام است و الا نماز ظهر و عصر و عشاء را جمع بخواند
یعنی هم تمام و هم شکسته بخواند احتیاطاً لکن اقوی تعیین تمام
است و اگر در جائی مردد باشد که ده روز میماند یا نمیماند
شکسته میکند تا سی روز و بعد از ان تا انجا است تمام میخواند
مثل انکه اگر قصد ده روز نموده و یک نماز تمام خوانده دیگر تا
انجا است باید تمام بخواند اگر چه مردد شود یا عازم رفتن شود

سئوال هرگاه شخص مسافر نماز عشا را نخوانده خوابید
تا بعد از نصف شب یا فردا روزه بگیرد یا صبر کند بجائی
قصد اقامه میکند کفاره عشا را بگیرد **جواب** احوط
انستکه قصد اقامه کند و ان روز را روزه بگیرد و اگر معذور
از قصد اقامه باشد لزوم قضا معلوم نیست

در بیان احکام میت است

که عبارتست از غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن **سئوال**
وصیت از برای چه واجب و برای چه مستحب است **جواب**
اگر قرض دارد و امانت پیش او است و حقوق مثل خمس و
کفارات و امثال انها اگر در ذمه او باشد واجبست و بخیرات
و صدقات و صله ارحام مستحب است و بعض ورثه را محروم
نمودن خوب نیست **سئوال** تکلیف در حال احتضار
چی است **جواب** واجبست در حال احتضار بر پشت

خوابانیدن میت که کف پاهای او رو بقبله باشد و مستحب
است تلقین شهادتین و ائمه علیهم السلام و کلمات فرج و قرآن
نزد ان خواندن مثل سورهٔ یس و والصافات و آیة الکرسی
و چشمهای او را بستن و پاها و دستهای او را کشیدن و به تعجیل
برداشتن و برادران دینی را خبر دادن سؤال غسل میت
چگونه است جواب غسل میت بر هر مکلف واجبست
مثل کفن کردن و نماز خواندن و دفن نمودن و شوهر اولی و
مقدم بر سایر ورثه است و بعد از مردان اولی از زنان انها
هستند و میت را سه غسل باید داد مثل غسل جنابت اول از
آب سدر دوم از آب کافور سیم از آب خالص و اگر محرم باحرام
حج یا عمره باشد غسل بکافور ندهند سؤال غسل کدام
میت واجبست جواب غسل هر میت مسلم واجبست و
انهائیکه در حکم مسلمند مثل صغیرها و دیوانها سؤال

اگر سدر و کافور نباشد چکنند جواب با آب خالص
غسل دهند و اگر آب هم نباشد یا ضرر داشته باشد تیمم بدهند
و احوط انستکه یک تیمم هم بقصد مجموع بدهند سؤال
دیگر چه شرط است در غسل دادن میت جواب مرد را مرد
و زن را زن باید غسل دهد بلی در اطفال سه ساله و کمتر مماثلت
لازم نیست و اگر مماثل نباشد ارحام غسل بدهند از روی
جامه و شوهر زن را و زن شوهر را و کنیز آقای خود را و آقا کنیز
را سؤال کیفیت کفن چگونه و شرائط ان چیست ج
کفن سه پارچه باید باشد لنگ از ناف تا زانو و پیراهن و
پارچهٔ که سر تا قدم میت را بپوشاند و باید غصبی و نجس و
ابریشم نباشد اگرچه زن باشد و از حرام گوشت نباشد
سؤال کفن دادن برکه واجبست جواب اگر شوهر دارد
بر شوهر و اگر آقا دارد بر آقا و اگر شوهر و آقا ندارد یا فقیرند

از مال میت و از اصل مال بیرون میرود مثل سایر مصارف
واجب تجهیز از غسل و دفن و امثال ان **سؤال** حنوط
واجب کدام است **جواب** حنوط گذاشتن کافور است
در هفت موضع سجده پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو
و دو انگشتان و مستحب است بطرف بینی گذاشتن ولکن
اگر با احرام حج یا عمره باشد حنوط نکند **سؤال** نماز میت
چگونه است **جواب** پنج تکبیر دارد بعد از نیت و تکبیر اول
بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول
الله و بعد از تکبیر دوم اللهم صل علی محمد و آل محمد و
بعد از تکبیر سیم اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و
بعد از تکبیر چهارم اللهم اغفر لهذا المیت و بتکبیر پنجم
تمام میشود **سؤال** کیفیت دفن چگونه است **جواب**
باید میت را در زیر زمین پنهان کنند بقدریکه از جانوران







